

رهیافت‌های رشد مدارانه با تأکید بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران و رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان

احسان واحد جویباری^۱؛ محمدرضا اعزازی طرقي^۲؛ علیرضا جمشیدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

چکیده

در سال‌های اخیر نظریات متعددی در حوزه پیشگیری از جرم به‌منظور کاهش میزان جرائم از سوی اندیشمندان این حوزه مطرح‌شده است. ماهیت اصلی جرم‌شناسی رشد مدار مبتنی بر مطالعه جرم در بستر زندگی هر فرد است. این نوع جرم‌شناسی با رویکردی پیشگیرانه، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان است و با تقویت عوامل حمایت‌کننده رفتارهای اجتماعی، از ناسازگاری، انحراف و اعمال مجرمانه توسط آنان جلوگیری به عمل آورده است. از سوی دیگر، جرم‌شناسی رشد مدار با رویکرد پیشگیرانه همواره تلاش نموده است تا افراد را در معرض عوامل مثبت قرار داده و عوامل منفی و خطرناک را کاهش دهد. به‌طور کلی، عوامل عنوان‌شده را می‌توان هم به‌نوعی عامل خطر و هم عامل پیشگیری و زمینه رشد کودکان و نوجوان دانست. از این‌رو، در راستای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، این پژوهش تلاش نموده است تا با بهره‌گیری از روش تحلیلی _ توصیفی، علاوه بر شناخت عوامل پیشگیری رشد مدار، میزان انطباق نظام جرم‌شناختی حاکم بر قانون ایران و افغانستان بر رویافت‌های رشد مدار را مشخص نماید.

کلید واژگان: جرم‌شناسی، بزهکاری، پیشگیری، رشد مدار، اطفال و نوجوانان؛

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضایی، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

مقدمه

رویکردهای جدید در عرصه نگرش‌های جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم بیانگر این مهم است که واکنش‌های سخت نمی‌تواند اصلاح‌کننده باشد و به طبع مسیر پیشگیری را می‌بایست در گستره جزمی‌نگری‌ها واکاوی نمود. امروزه، بزهکاری کودکان و نوجوانان و پیشگیری از آن، با توجه به آثار سوء و مشکلات بسیاری که در پی دارد از مسائل بسیار جدی است که مورد توجه دانشمندان علم حقوق و دولت‌ها واقع شده است؛ زیرا بزهکاری در این دسته معمولاً تحت تأثیر احساسات است و قوه عاطفه بر قوه عاقله غلبه دارد. بزهکاری در سنینی که در آن نیرو و حرکت جمعی جامعه به آن بستگی دارد، می‌تواند نیرو انسانی و نظام کاری یک سرزمین را آسیب‌زا کند.

گسترده‌گی بزهکاری توسط اطفال و نوجوانان سبب شده است که پژوهشگران به دنبال کشف عوامل ارتکاب بزهکاری توسط ایشان و یافتن راهکارهای مناسب برای جلوگیری از بزهکاری آنان باشند تا با تعمق اندیشه‌های جرم‌شناختی و علمی شدن شناخت و مقابله با پدیده‌های مجرمانه، بتوان به‌طور مداوم جلوه‌های نوینی از تدابیر پیشگیرانه را به سیاست‌گذاران این عرصه نشان داد.

پیشگیری (رشدمدار) یکی از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است که هدف از آن مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزهکار یا در معرض بزهکاری به‌منظور جلوگیری از مزمن شدن بزهکاری آن‌ها در بزرگسالی است. در این پیشگیری مهم‌ترین عامل سن است، چراکه این کودکان در یک فرایند از دوران رشد و زندگی خود مورد مطالعه قرار می‌گیرند، زیرا پیشگیری رشد مدار مسیر رشد یا دوران رشد را ایجاد می‌کند که همواره تلاش می‌شود تا فرد را در معرض عوامل مثبت یا کم کردن عوامل منفی و خطرناک قرار دهد.

رویکردهای رشد مدار در هر دو جهت جرم‌شناسی و پیشگیری، به خاطر دقت ویژه‌ای که به دنیای بزهکاری و بزه دیدگی کودک دارد در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

بعضی از مطالعات مرتبط با موضوع بحث مانند مطالعه «دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشد مدار»، نوشته محسنی که فارغ از مقایسه با قوانین دو کشور صرفاً به تبیین کامل این نوع پیشگیری پرداخته است. همچنین مطالعه «تحلیل پیشگیری رشد

مدار از جرم در نظام حقوقی ایران»، نوشته رضا بیرانوند که ضمن بررسی پیشگیری رشد مدار به کارکرد آن در نظام تقنینی و قانون مجازات اسلامی ایران پرداخته است.

گفتار اول: پیشگیری و انواع آن

واژه "پیشگیری" در لغت به معنای عمل "پیشگیر"، "دفع" و "جلوگیری" و در فرهنگ فارسی عمید پیشگیری این‌گونه تعریف شده است: «هر نوع اقدامی که طبیب یا مأمور بهداشتی برای جلوگیری از بروز مرض انجام بدهد».

در مفهوم اصطلاحی به‌طور کلی پیشگیری دارای دو مفهوم موسع و مضیق است. در مفهوم عام هر آنچه علیه جرم بوده و جرم را کاهش دهد، پیشگیری تلقی می‌شود و هر اقدامی اعم از کیفری و غیر کیفری که علیه جرم و برای مقابله با آن طراحی شده باشد و موجب کاهش نرخ بزهکاری گردد در حوزه تعریف عام پیشگیری قرار می‌گیرد. در مفهوم خاص، پیشگیری مجموعه وسایل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزهکاری مورد استفاده قرار می‌دهد.

در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری به معنای بکار بردن فنون مختلف به‌منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری و هدف پیشی گرفتن از بزهکاری است. گسن^۱ در تعریف اصطلاحی علمی آن می‌نویسد: «از نقطه نظر علمی می‌توان گفت که مراد از پیشگیری، هر فعالیت سیاست جنایی است که غرض انحصاری یا غیر کلی آن تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن ساختن یا سخت و دشوار نمودن یا احتمال وقوع آن را پایین آوردن است، بدون اینکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شود. پیشگیری در سیاست جنایی نیز به‌منزله یک‌رشته مطالعاتی مستقل و میان‌رشته‌ای در علوم جنایی است که هم از ابزارهای حقوق کیفری و هم از یافته‌های جرم‌شناسی برای پاسخ به پدیده مجرمانه بهره می‌برد (غلامی، ۱۳۹۸، ص ۱۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در کنار اصلاح مجرمان، پیشگیری از جرم را صریحاً در بند ۵ اصل ۱۵۶ مدنظر قرار داده و این موضوع نشانگر اهمیت و نقش اساسی پیشگیری از جرم به‌منزله یکی از ابزارهای مهم کنترل جرائم است. همچنین، اصطلاح

^۱. Gassen

پیشگیری در قانون پیشگیری از وقوع جرم سال ۱۳۹۴، تعریف آن به شرح ذیل آمده است:

«پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن است.»
برای تبیین مدل‌های پیشگیری از جرم لازم است تحولات تاریخی آن بررسی شود تا بر مبنای آن بتوان مدل‌های پیشگیری را بیان نمود. باآنکه در علم جرم‌شناسی مکاتب و انواع مختلفی پدید آمده که اکثر آن‌ها نوظهور هستند، اما آشنایی کلی برای داشتن یک افق روشن لازم و ضروری است.

پیشگیری وضعی: پیشگیری وضعی به‌عنوان یکی از روش‌های پیشگیری، به مجموعه‌ای از تدابیری اطلاق می‌شود که کاهش و حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است. یکی از دلایل اقبال به این نوع پیشگیری، ناکارآمدی پیشگیری اجتماعی است. این نوع پیشگیری، هرچند فرایند گذار از اندیشه به عمل را با مانع مواجه می‌کند، اما خود با موانع و محدودیت‌هایی همراه است که کارایی آن را کم‌رنگ می‌نماید. افزون بر ملاحظات حقوق بشری، این محدودیت‌ها عبارت‌اند از تحمیل هزینه و ایجاد مسؤولیت برای بزه دیدگان، ایجاد ترس از جرم، همچنین ایجاد اضطراب و ترس در افراد ضعیف و ناتوان، از مشکلات ناشی از اجرای راهکارهای پیشگیری وضعی است (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷).

پیشگیری عام: شامل آن دسته از اقدام‌ها و تدابیری است که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند. محور این نوع پیشگیری، بازدارندگی، ارعاب انگیزی و عبرت‌آموزی کیفری بر عموم مردم است که به‌وسیله مجازات از طریق قانون اعمال می‌شود.

پیشگیری خاص: اثری که مجازات در بازدارندگی مجرم از ارتکاب مجدد جرائم خاص دارد پیشگیری خاص می‌گویند. در مواردی که اقدامات مذکور فایده‌ای نداشته باشد، حکم به طرد مجرم از اجتماع داده می‌شود. طرد از اجتماع می‌تواند به شکل تبعید، سلب دائم آزادی و درنهایت سلب حیات وی منجر شود.

پیشگیری اجتماعی: پیشگیری اجتماعی به دنبال متوقف کردن و ایجاد تحول در شرایط و اوضاع و احوالی است که فرد را به‌سوی جامعه‌ستیزی و ارتکاب جرم سوق دهد.

این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در یک فرد و اعضای جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و مستمر است و به دنبال این است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تشویق و تنبیه با قواعد و هنجارهای اجتماعی آشنا و هم‌نوا کند. پیشگیری اجتماعی مربوط به عوامل جرم‌زاست. از این‌رو، برنامه‌های این نوع پیشگیری به صورت ۲ مرحله‌ای انجام می‌گیرد. به این صورت که در مرحله اول اقدام به شناسایی عوامل جرم‌زا می‌نماید و در مرحله دوم شروع به ساماندهی اقداماتی که هدفشان هدایت کردن آثار این عوامل از طریق خنثی کردن و کنار زدن آن‌ها است، است.

گفتار دوم: پیشگیری رشد مدار و رهیافت‌های آن

بخش اول: پیشگیری رشد مدار

مهم‌ترین مباحث حوزه رشد نگر در زمینه جرم‌شناسی، در اواسط سال‌های ۱۹۸۰ مطرح گردیدند؛ مانند بسیاری از موضوعات رشته‌های گوناگون علمی، یافتن ریشه‌های دقیق اندیشه‌های رشد نگر در ارتباط با پدیده بزهکاری دشوار است و منابع مختلف، به کارهای گوناگونی به‌عنوان پیشگامان این رشته اشاره نموده‌اند؛ اما مسلماً قبل از دهه ۱۹۸۰، کارهای تأثیرگذاری در این زمینه انجام شده بود که به خاستگاهی برای طرح و پیگیری این دیدگاه‌ها تبدیل گردید. پژوهش‌های انجام شده در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد، توسط جرم‌شناسان آمریکایی، شلدون و الینور گلوک در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۸ و پیگیری‌های بعدی آن، از جمله اولین و مهم‌ترین فعالیت‌های جرم‌شناسانه رشد مدار محسوب می‌گردند (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹) و همچنین، مکتب شیکاگو از مطرح‌ترین دیدگاه‌های جرم‌شناختی در این زمینه به شمار می‌رود که به‌عنوان مثال، رویکرد تاریخچه زندگی یکی از نمونه‌های روشن در وجود رهیافت‌های رشد نگر با تکیه بر روند زندگی در آموزه‌های جرم‌شناسانه‌ی سنتی است.

جرم‌شناسی از زمانی مورد توجه قرار گرفت که مکاتب کلاسیک نمی‌توانستند پاسخ‌گوی نیازها و اصلاح و بازپروری مجرمین باشند. از آنجا که خاستگاه این علم را در غرب می‌دانیم و ریشه جرم‌شناسی نوین از آنجا نشأت می‌گیرد، اما می‌توان در متون دینی و روایات اسلامی اعمال و اقوالی را در باب جرم‌شناسی پیدا نمود؛ مثلاً می‌توان به دو مورد از این موارد اکتفا نمود: آیه ۵۸ سوره نور که از ابتدای سوره نگاهی به آیات آن

بکنیم، خواهیم دید که سیاست پیشگیری از گناه آن‌هم به صورت رشد مدار برای کودک و اطفالی که به سن بلوغ نرسیده‌اند در احکام الهی نهفته است، همچنین، سوره نور آیه ۳۳ می‌فرماید: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نامحرم بازدارند». بدیهی است که کلید بیشتر جرائم جنسی با نگاه آن‌هم شهوت‌آلود شروع می‌شود؛ بنابراین، دستور به کنترل چشم در واقع برطرف کردن زمینه ارتکاب جرم است.

در این میان، اسلام غیر از عوامل درونی مانند وراثت، عوامل محیطی یا برون‌زا در پیشگیری از جرم را نیز مورد بررسی قرار داده است؛ مانند نقش محیط اجتماعی، خانواده و تربیت صحیح و...

ریموند گسن درباره مشخصه برنامه‌های پیشگیری اجتماعی از بزهکاری، بر این اعتقاد است که این برنامه‌ها از نخستین تجربیات پیشگیری از بزهکاری جوانان است. پس موضوع عبارت از برنامه‌هایی است که هدف آن‌ها در درازمدت، اقداماتی عمقی درباره افراد و اطرافیان اجتماعی آنان است (کی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳).

پیشگیری اجتماعی بر اساس مداخلات و تأثیراتی که بر فرایند شکل‌گیری شخصیت فرد یا محیط‌های پیرامون او صورت می‌گیرد، خود به پیشگیری اجتماعی رشد مدار و پیشگیری اجتماعی جامعه مدار تقسیم می‌شود و پیشگیری اجتماعی جامعه مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی نیز بر آن تأکید نموده است، شامل اقدامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پیشگیرانه‌ای است که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آن‌ها زندگی و کار می‌کند اعمال می‌گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳).

در قسمت پیشگیری جامعه مدار بالطبع، نقش جامعه مهم و حیاتی است، یعنی امور اجتماعی در سطح اجتماع باید شکل بگیرد تا عوامل و زمینه جرم‌زا کمتر شوند، مانند مددکاران اجتماعی که پیوسته با بزهکاران و خانواده آنان در ارتباط هستند. همچنین می‌توان گفت که در این زمینه اساساً قدرت یا بازوی اجرایی امور در دست دولت‌هاست، زیرا عواملی مانند ساختن مکان‌هایی برای سرگرمی و تفریح سالم و مکان ورزش برای تخلیه انرژی و نشاط مردم بخصوص قشر کودک و جوان و مکان و برنامه‌های مذهبی آن‌هم در وقت و مکان مناسب نیازمند عمل و تخصیص بودجه دولت است؛ اما بحث اصلی در گونه دیگر پیشگیری اجتماعی، یعنی پیشگیری رشد مدار است، جایی که

طرفداران این مکتب معتقدند آموزش فردی و باور و اقناع درونی افراد به مراتب مهم‌تر از اقدامات اجتماعی است و در نتیجه بازدهی و راندمان این پیشگیری در کاهش بزهکاری افراد، بالاتر است.

پیشگیری رشد مدار که دانشمندان حوزه جرم‌شناسی چندین تعریف برای آن ارائه نموده‌اند یک نوع پیشگیری عام است و در دسته‌بندی پیشگیری به معنای خاص که بزهکار با تحمیل مجازات و رنج حاصل از آن می‌بایست از ارتکاب مجدد امتناع ورزد، جای نمی‌گیرد و می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «به‌منزله مداخله در دوران مختلف رشد کودک و نوجوان در معرض بزهکاری، به‌منظور پیشگیری از مزمن شدن و تکراری شدن رفتاری در آینده است تا مقاومت افراد را در مقابل پذیرش رفتارهای بزهکارانه در آینده تقویت نماید» و یا «پیشگیری رشد مدار به‌منزله یکی از قسمت‌های پیشگیری اجتماعی که به دنبال بهبود پایدار توانایی‌های اجتماعی اطفالی است که خطر گرایش آنان به دنیای بزهکاری زیاد است». پایان پیشگیری رشد مدار احیای شرایط تربیتی عادی است، به‌گونه‌ای که تکامل فکری، اجتماعی و اخلاقی طفل روال عادی خود را طی نماید. این نوع پیشگیری بر این اندیشه مبتنی است که رفتار و آداب اکتسابی دوران رشد، یعنی از تولد تا سن بزرگسالی زمینه‌ساز ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود (خسروشاهی، ۱۳۹۵؛ ص ۶۸).

درواقع، پیشگیری رشد مدار به دنبال آن است که به شناسایی عوامل خطر، تقویت حمایت و مداخله زودرس به‌ویژه درباره اطفال و نوجوانان که خودشان به ماهو، موضوعیت دارند، در این نوع از پیشگیری، از ارتکاب به بزهکاری بازداشته شوند و همچنین نهادهای اولیه جامعه‌پذیر مانند خانواده و مدرسه را مورد بررسی قرار می‌دهد، زیرا نقش زمینه‌ای و بستر ساز و مهمی در خلیات و تمایلات افراد اطفال و نوجوان به بزه دارند.

از محورها و ویژگی عمده پیشگیری رشد مدار می‌توان ۳ خصیصه مهم را ذکر نمود:
 ۱- **تربیت مدار؛** الف) یعنی این نوع پیشگیری درصدد شخصیت‌سازی است. ب) یعنی از تدابیر آموزشی و پرورشی برای سالم‌سازی رشد افراد بهره می‌گیرد. پ) در شکل‌گیری شخصیت درست افراد و اختلال در روند شخصیت مجرمانه تلاش می‌کند.

۲- **فردمدار؛ الف)** بر افراد متمرکز می‌شود. ب) به دنبال تقویت سازی و کارهای خودکنترلی است. پ) به دنبال آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان است. ت) در آموزش تکیه بر نهاد خانواده، مدرسه و مددکاری اجتماعی دارد.

۳- **عام‌گرا؛ الف)** یعنی اقدامات پیشگیرانه، عام هستند و تنها ناظر بر جرم خاص نیستند. ب) پیشگیری باهدف جلوگیری از استقرار ناسازگاری در افراد است. پ) به دنبال پیشگیری از ارتکاب گونه‌های متعدد بزهکاری از جمله جرم‌های عمدی و غیرعمدی است (رجبی پور، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

۴- می‌توان گفت یکی دیگر از شاخص‌های پیشگیری رشد مدار، **خطر محور** بودن آن و شناخت عوامل خطر ساز در جریان فرآیند رشد است، یعنی توجه مهمی به عوامل خطر و کاهش آن برای اطفال و نوجوانان دارد و تلازم آشکار و مستحکمی بین رعایت و تأمین حقوق بنیادین اطفال و نوجوانان و پیشگیری رشد مدار به چشم می‌خورد؛ به عبارت دیگر، تأکید اسناد بین‌المللی و نتیجه مطالعات جرم شناختی بر آن است که اساسی‌ترین راهکار پیشگیری از جرم، تمرکز بر عوامل خطر گرایش به جرم در کودکان و نوجوانان است و تلازم بین حقوق اطفال و نوجوانان و رفع خطر گرایش به جرم از آنان، هماهنگی پیشگیری رشد مدار و رعایت حقوق اطفال و نوجوانان را گوشزد می‌کند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که مهم‌ترین مسائل مورد توجه جرم‌شناسان رشد مدار عبارت‌اند از: تغییر یافتن در رفتار در طی سیر زندگی روزمره و به‌طور مستمر که مصادیق آن‌ها عبارت‌اند از: شروع و خاتمه بزهکاری، حرفه مجرمانه و الگوهای بزهکاری در طول زمان.

با توجه به آنچه پیرامون پیشگیری رشد مدار بحث شد تا به حال مشخص نیست که دولت‌ها چه اقدامات عملی مهمی را در رویکرد رشد مدار در پیش گرفته‌اند و بدان عمل نموده‌اند، اما از لحاظ نظری تکالیفی بر دوش دولت‌ها قرار داده شده است. اهمیت اقدام‌های پیشگیری رشد مدار در فرآیند پروراندن شدن درست شخصیت کودکان معضل دار، سبب شده است تا به این‌گونه پیشگیری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ توجه شود. به‌موجب بند ۲ اصل بیست و یکم «حمایت مادران، به‌طور اخص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از

کودکان بی‌سرپرست» در شمار وظایف بنیادی دولت گنجانده شده است. از این رو، مشکلات مالی - اقتصادی مادران سرپرست خانوار و نبود پدر در کنار خانواده، از جمله نشانه‌های خطر می‌باشند که برطرف نشدن آن‌ها احتمال مزمن شدن بزهکاری را افزایش می‌دهد. به همین جهت، دولت باید از رهگذر اتخاذ تدابیر مناسب و برنامه‌ریزی سنجیده به حمایت مالی - اقتصادی از این خانواده‌ها یا ایجاد بستر مناسب برای دسترسی آنان به حمایت‌های اجتماعی مناسب مثل مشورت دادن مددکاران اجتماعی مبادرت ورزد (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

هدف این نوع پیشگیری مداخله زودرس نسبت به افرادی است که رفتار ضداجتماعی از خود بروز می‌دهند و این رفتار می‌تواند از تحول تدریجی به سوی یک بزهکاری در آینده خبر دهد. از این رو با مداخله در رشد فرآیند کودکان و تمرکز بر روی عوامل فردی و اجتماعی که به پیشرفت آمادگی‌های مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیرگذار است، می‌توان با جامعه‌پذیر کردن این افراد از تبدیل شدن آنان به بزهکار مزمن جلوگیری کرد (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

اجرای برنامه‌های پیشگیری رشد مدار در سالم‌سازی جامعه و کاهش جرائم، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و در نتیجه کاهش ورودی پرونده‌ها به سیستم قضایی و پیشگیری از تکرار جرم در جامعه مؤثر است، هر یک از این نهادها می‌توانند با آموزش‌های خود گام‌های مؤثری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بردارند.

اگر بتوان اهداف پیشگیری رشد مدار را در جامعه عملی کرد، می‌توان امیدوار بود که آن جامعه دارای افراد «خودکنترل» خواهد بود. این‌گونه افراد مرتکب جرم نمی‌شوند، چراکه به نظر آنان خشونت و صدمه زدن به دیگران امری ناپسند است، آن‌ها به اصول اخلاقی درونی پایبندند و از تجاوز و تعدی به دیگران و ورود به حوزه‌های مجرمانه خودداری می‌نمایند. رسیدن به چنین وضعیتی برای تمام جوامع ایده آل و مطلوب خواهد بود. البته کشورهای توسعه‌یافته با توسعه آموزشی و فرهنگی، نیمه بیشتر راه را رفته‌اند (نظری، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

گفتار سوم: عوامل خطر و شیوه‌های رشد مدارانه

از گذشته تاکنون، در جوامع گوناگون برای مقابله و پیشگیری، از رویکردهای متفاوتی برای این موضوع مهم استفاده شده است، لیکن عمده‌ترین این رویکردها متوجه روش‌هایی چون ارباب، ناتوان‌سازی، حذف موقعیت‌های جرم‌زا و پرهزینه کردن و بالا بردن خطر ارتکاب بزهکاری و جرم بوده است.

رویکردهای مذکور در دو شکل کلی پیشگیری کیفری و وضعی، اگرچه در روند کاهش بزهکاری و ارتکاب جرم بی‌اثر نبوده، اما اثرات آن اندک، کم‌عمق و ناپایدار است (رجبی پور، ۱۳۹۱، ص ۱۷)، بنابراین در ادامه به بررسی شیوه‌های مکتب پیشگیری رشد مدار پرداخته می‌شود تا بتوان راندمان خود را در بحث کاهش بزهکاری بالا برد. همان‌طور که گفته شده چند عامل مهم را می‌بایست بررسی نمود که این عوامل نقش مهم در شکل‌گیری زندگی کودکان و نوجوانان دارند، عواملی که به نظر می‌رسد برای تمامی کودکان و نوجوانان است و ربطی به فرهنگ خاص یا جامعه خاص ندارد، زیرا در همه جوامع و فرهنگ‌ها، آموزش، خانواده و رسانه‌های دسته‌جمعی وجود دارند و اثرگذار هستند.

آموزش: مسئله بی‌سوادی کودکان از مسائل مهم جامعه بشری است و اهمیت آن از این جهت است که ریشه بسیاری از مسائل دیگر از قبیل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را می‌بایست در بی‌سوادی یا کم‌سوادی افراد آن جامعه جست‌وجو کرد، به همین دلیل، گسترش آموزش و پرورش اطفال و کاهش درصد بی‌سوادی آنان یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت محسوب می‌شود.

اهمیت امر آموزش و تحصیل اطفال زمانی بیشتر آشکار شد که در سطح داخلی از ابتدای قانون‌گذاری و همچنین در سطح بین‌المللی با تشکیل سازمان ملل متحد، همواره به این مهم توجه شده است؛ مانند ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و همچنین قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲ که در سال ۱۳۵۰ در قالب ماده‌واحد اصلاح شده است. این اولین قانون موضوعه‌ای است که در راستای حمایت از حقوق آموزشی و تحصیل اطفال به تصویب رسیده است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۵).

شاید بتوان گفت که ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، علاوه بر این که حق برداشتن آموزش را برای کودک به رسمیت می‌شناسد و بر آن تأکید دارد، سیاست‌هایی را بیان می‌کند که خود در راستا و مقدمه‌ی پیشگیری از جرم است که لازم است این اقدامات از سطح مدیریتی آموزش و پرورش تا به معلم عمل شود.

خانواده: خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین پایگاه اجتماعی که افراد وارد آن می‌شوند، نقش بسزایی در جامعه‌پذیری، کنترل و به عبارت کلی‌تر شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها دارد؛ بنابراین چنانچه خانواده الگوی رفتاری نابهنجار را به کودک ارائه دهد و یا در عملکرد خود با اختلال مواجه شود، تأثیر منفی خود را در رفتار کودک نشان خواهد داد، مانند اعتیاد در والدین که تأثیر به‌سزایی در زندگی کودک می‌گذارد. حال، دامنه ابتلاء به اعتیاد در والدین از پرخاشگری‌های مکرر در حالت به‌اصطلاح خماری تا فروختن کودک به افراد دیگر برای رفع نیاز خود است. متأسفانه روند این مشکل در کشور رو به افزایش است. از دیگر عملکردهای منفی می‌توان به کتک زدن کودکان اشاره نمود؛ این کودکان به‌دفعات آن‌چنان جانور صفتان کتک‌خورده‌اند که جراحات برداشته‌اند؛ بنابراین، در او احساس مصیبت‌هایی از وحشت و ترس و نفرت ضبط می‌شود و برای جنایت‌های آینده مورد برنامه‌ریزی واقع می‌گردند.

از دیگر موارد مهم که تحقیقات زیادی پیرامون آن صورت گرفته است، مبحث طلاق است که خود نیز زمینه‌ساز برای بزهکاری کودکان و نوجوانان است. بچه‌های طلاق، کشتی‌شکستگان طوفان‌های دیگری هم هستند، طوفان‌هایی ترسناک، زنده و عاطفه‌کشی که خانواده‌ها را از هم می‌پاشند. طلاق خیلی هم که ساده باشد یک وضعیت بد است و احساس غیر خوب را برای کسانی که در این گیرودار هستند تشدید و تثبیت می‌کند (تامس آ. هریس، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱).

حال می‌بایست به سراغ پیشگیری رشد مدار رفته تا با شیوه‌های مناسب آموزش خانواده‌ها، زمینه بزهکاری و عوامل خطر ساز کاهش داده شود؛ بنابراین، خانواده‌ها هم در پیشگیری از جرم و هم در ارتکاب جرم بر کودکان تأثیرگذارند. در دوره خردسالی، آموزش والدین بر پایه ایجاد فنون حفاظتی متمرکز است که در زمان تعامل میان والدین و کودک، باید تحقق یابد. در مرحله بعدی، با ورود فرزندان به مدرسه و

محیط‌های آموزشی، والدین باید از توانایی بالا بردن مهارت‌های کودک خود در برنامه‌های آموزشی و تعامل با دوستان و هموعان برخوردار باشند. با آغاز نوجوانی این مهارت‌ها می‌بایست به مواردی مانند راهکارهای نظارت بر فعالیت‌های آنان در خارج از منزل، محدود نمودن ارتباط با گروه‌های کج‌رو و بزهکار و آموزش مهارت‌های اجتماع‌پذیری تسری یابد. در صورتی که والدین طلاق گرفته باشند، دادگاه‌ها باید نسبت به تعیین امور آموزشی و مالی و ... کودکان تصمیم‌گیری نماید و والدین را نسبت به فرزند خود مسئول بدانند.

آموزش به‌واسطه روانشناسان و جرم‌شناسان برای والدین می‌تواند از طریق اجبار و وضع قانون یا برقراری کلاس آموزشی توسط مدارس یا رسانه‌های جمعی، صورت گیرد. از جمله این آموزش‌ها می‌توان به یادگیری مدیریت استرس، یادگیری حفظ خونسردی در برابر دردهای کودک، مدیریت خشم در کودک، مهارت‌های مسئله‌گشایی اجتماعی در کودک، ارتقای وابستگی‌های دوستی مثبت و... اشاره نمود.

از لحاظ قانونی و شرعی والدین نسبت به فرزندان خود وظایفی به عهده‌دارند، در صورتی که پدر منجر به صدمات جسمی و روحی فراوانی نسبت به کودک شود، موجب سلب حضانت از او می‌گردند. قانون مدنی در ماده ۱۱۷۳ اشاره می‌کند: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ نماید.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱- اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار.

۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشاء.

۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی.

۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء،

تکدی‌گری و قاچاق.

۵- تکرار ضرب‌وجرح خارج از حد متعارف.

در این میان، امام خمینی (ره) مسئولیت والدین را به‌صورت کاملاً صریح و جامع

بیان کرده‌اند: «بر ولی بچه جایز است که او را به شخص امینی تحویل دهد که به او صنعت یاد دهد یا نزد کسی بگمارد تا خواندن و خط و حساب و علوم عربی و غیر این‌ها از علوم مفید برای دین و دنیا به او تعلیم دهد و بر او الزام است که وی را از آنچه موجب فساد اخلاقش می‌شود، حفظ کند، چه رسد به چیزی که برای عقاید او ضرر داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، صص ۲ و ۱۳).

همسالان: یکی از مواردی که خود باعث تحریک و کاهش حس بزهکاری در کودک و نوجوانان می‌شود، دوستان و همسالان او هستند. امروزه برخی معتقدند همسالان نقش پررنگ‌تری حتی نسبت به خانواده و محیط خانوادگی ایفا می‌کنند. با گسترش فضای مجازی و ارتباطات گسترده در این فضا، دامنه ارتباط بین افراد و تأثیرپذیری از یکدیگر افزایش یافته در نتیجه می‌توان گفت بزهکاری و بزه دیدگی در فضای سایبر هم آمار قابل توجهی دارد. ساترلند در نظریه انتقال فرهنگی کچ‌روی، بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی، همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران، یعنی منحرفان و دوستان ناباب آموخته می‌شود. افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن به سمت‌وسوی نا‌همنوایی سوق داده می‌شوند.

مدرسه: نقش مدرسه به‌عنوان نهادی که به‌طور رسمی در تکامل شخصیت کودک و آموزش الگوهای رفتاری و جامعه‌پذیری او تأثیر بسزایی دارد، بعد از خانواده نمایان می‌گردد. در این راستا نیز هرگونه اختلال در سیستم کارکردی مدرسه از جمله خشونت در مدرسه، فقدان تعامل مناسب و دوستانه میان معلم و اولیای مدرسه با دانش‌آموزان، ضعف یا شکست تحصیلی و یا تدریس نامطلوب می‌تواند روند مطلوب یادگیری را دچار مشکل ساخته و مسیر رشد را با مشکل مواجه سازد (خسروشاهی، ۱۳۹۵، ص ۸۷).

طبق بعضی از تحقیقات انجام‌شده نشان داده می‌شود که آموزش مهارتی و رفتاری در مدرسه می‌تواند در کاهش جرم اثرگذار باشد این تحقیق بدین نتیجه می‌رسد: با آموزش توانایی شناخت خود و آگاهی از ویژگی‌ها، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، ترس‌ها و انزجارها به افراد می‌توان از بروز بزهکاری‌ها پیشگیری نمود.

بر اساس تحقیقات میدانی مبنی بر همبستگی مثبت و معنادار مهارت مدیریت هیجان‌ها شامل خشم، اضطراب و افسردگی و مقابله با استرس با میزان بروز بزهکاری در

بین دانش‌آموزان، می‌توان از انجام بزهکاری جلوگیری کرد (درویشی، ۱۳۹۷، ص ۶۸).
اثربخش‌ترین اقدام‌ها برای جلوگیری از وقوع جرم در مدرسه اقدام‌های عاطفی است نه فیزیکی. اقدام‌های مزبور عبارت‌اند از: بهبود وضعیت و فرهنگ مدرسه، آموزش و الگوسازی رفتارهای اجتماعی، فراهم آوردن امکان مقابله مؤثر با وقوع رفتارهای ضداجتماعی یا تمایل دانش‌آموزان به بروز خشونت.

محیط فیزیکی مدرسه نیز نقش اساسی در برقراری امنیت دانش‌آموزان دارد. ساختار مدرسه می‌بایست محیط جذابی فراهم کند که در آن دانش‌آموزان از تهدید در امان باشند و با آسودگی خاطر به یادگیری بپردازند (اشنایدر، ۱۳۸۵، ص ۴).

وضعیت اقتصادی: بحران اقتصادی، تورم، بیکاری و توزیع ناعادلانه ثروت و نواقص موجود در نهادهای اقتصادی منجر به ناهنجاری‌های مختلف اجتماعی می‌شود. بحران‌های اقتصادی در توزیع عادلانه ثروت به‌منزله مهم‌ترین عامل ایجادکننده فقر و پیامدهای ناشی از آن به شمار می‌رود، همچنین، بحران‌های اقتصادی در برانگیختن نوجوانان و جوانان به سرقت و انحرافات دیگر تأثیر قابل‌توجهی دارد. این بحران‌ها موجب کاهش درآمدها، فقر، بیکاری و نابسامانی خانواده‌ها می‌شود و خود انگیزه‌ای است که افراد را به‌سوی جرائم و تخلف از مقررات اجتماعی می‌راند، عدم امکان فراهم‌سازی وسایل تفریحات سالم و پر نمودن اوقات فراغت و ناتوانی خانواده‌ها برای محافظت فرزندان از مفاسد موجود، در محیط‌های ناسالم و معاشرت با افراد ناباب، همگی به‌نوعی با فقر و تهی‌دستی خانواده‌ها ارتباط دارد.

در رویکرد دینی، همبستگی میان فقر و انحرافات اجتماعی مورد تأیید است. بر این اساس، فقر انگیزه روی‌آوری به کج‌روی را افزایش می‌دهد (کریمیان، ۱۳۸۷، ص ۷۶).
وضعیت اقتصادی زمینه‌ساز انواع بزهکاری‌ها است. دولت‌ها باید سعی کنند تا به ایجاد یک ثبات اقتصادی و کاهش تورم کمک نمایند، اگرچه این امر سخت‌تر از عوامل دیگر است و تحقق آن نیازمند برگ خریدهای گوناگون است. البته نباید از کمک‌های اقتصادی افراد و موسسه‌های خیریه به اقشار نیازمند هم غافل بود. پس با نظارت و افزایش آن می‌توان به‌عنوان یک مرهم کوچک عمل کرد.

رسانه: رسانه به‌طور اعم، وسیله‌ای برای پیشگیری است و می‌توان آموزش را از این

طریق پیگیر شد. امروزه رسانه زمینه‌ساز جرائمی بسیار است و دامنه وسیعی از کلاهبرداری اینترنتی تا اشاعه فحشاء و طلاق و حتی قتل‌های ناموسی را در برمی‌گیرد. اخیراً در تمامی جهان به‌ویژه در جوامع کمتر توسعه‌یافته، شاهد افزایش چشمگیر تعداد اطفال و نوجوانان در میان بزهکاران سایبری هستیم. باوجود عدم ارتقای فرهنگ و آموزش و فرصت‌هایی که فناوری‌های نوین به ارمغان آورده است، فرآیند جامعه‌پذیری کودکان با تهدیدی جدی روبه‌رو شده است و ضرورت این نوع پیشگیری را دوچندان کرده است. همچنین، ارتباط از طریق فضای مجازی در سال‌های اخیر جایگاه قابل‌توجهی در بین نسل جوان جامعه ما پیدا کرده است. از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی در ابعاد مختلف زندگی افراد تأثیرگذار بوده و در شکل‌دهی به هویت آنان نقش بسزایی دارند و حتی روی ابعاد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع هم تأثیرگذارند.

خانواده باید به‌طور مستمر و به نحو صحیح از فعالیت فرزندان خود در فضای مجازی اطلاع داشته باشد. دولت نیز باید سعی نماید تا افراد و اموری که باعث ایجاد ناهنجاری در فضای رسانه‌ای می‌شود را شناسایی نمایند و به دنبال ایجاد برنامه‌های آموزنده و قوی آموزشی همراه با جذابیت ارائه دهد.

گفتار چهارم: شیوه‌های پیشگیری رشدمدار قانون بزهکاری اطفال ایران

با توجه به ضرورت حمایت گسترده از حقوق کودکان و نوجوانان اعم از اینکه معارض با قانون شناخته شوند یا اینکه بزه دیده یا در معرض خطر باشند، قانون‌گذار ایران، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را تصویب نمود. در واقع، قانون‌گذار کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در آذرماه سال ۱۳۸۱، از یک سیاست کیفری افتراقی منسجم و هماهنگ در برخورد با جرائم ارتكابی کلیه اطفال پیروی ننموده است، چراکه از ابتدای قانون‌گذاری در کشور ایران، در قوانین جزایی نظیر قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی و در قوانین پراکنده دیگر، ناخودآگاه و در برخی موارد به‌صورت هدفمند از رویکرد پیشگیری رشدمدارانه سود جسته است، اما این قانون از آنجایی که در ۹ ماده نگارش شده بود، از جامعیت لازم برخوردار نبوده و همچنین توجهی به مشارکت نهادهای مدنی در سیاست جنایی مبارزه با کودک‌آزاری و

نقش انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق کودکان نیز نکرده بود. تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ که برای اولین بار به توضیح وضعیت‌های پرخطر و اقدامات خاص حمایتی می‌پرداخت، بیانگر این وضعیت بوده است که این قانون برای کودکانی که در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار گرفته‌اند، به تصویب رسیده تا از طریق انجام اقدامات حمایتی از بزهکاری کودکان پیشگیری به عمل آید. در این میان، شاید پایه و اساس قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بر پیشگیری از جرم علی‌الخصوص رشد مدار استوار نباشد و با وضع قوانینی بر پایه مجازات، باید عنوان داشت که مراد قانون‌گذار نوعی پیشگیری خاص است، اما به‌طور کلی در بعضی از مواد این قانون توجه قانون‌گذار به پیشگیری رشد مدار هم معطوف بوده است. البته باید به آیین‌نامه اجرایی این قانون هم نگاهی داشت، زیرا که راه و روش پیشگیری به‌طور عملی در آیین‌نامه مشخص می‌شود.

پیشگیری رشد مدار شامل کوشش‌های سازمان‌دهی شده و منظمی است که مشکلات بالقوه را تا حدی کاهش می‌دهد. با نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می‌توان این کوشش‌ها را در مواد قانونی هم مشاهده نمود.

۱- یکی از شیوه‌های خارج نمودن کودکان از وضعیت مخاطره‌آمیز، توانمندسازی آموزشی کودکان و خانواده آنان است. بند ۱۱ ماده ۱، توانمندسازی را مجموعه خدماتی تعریف نموده است که باهدف رشد و تکامل همه‌جانبه و تحقق زندگی شایسته یا با حداقل وابستگی به منابع حمایتی و ارتقای توانایی‌ها و مهارت‌های آموزشی، اجتماعی و حرفه‌آموزی به طفل و نوجوان، خانواده یا اشخاص تأثیرگذار بر وی ارائه می‌شود. این توانمندسازی می‌تواند ناظر به شرکت دادن کودکان و خانواده آن‌ها در دوره‌های آموزشی باشد. در همین راستا، بند الف ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، سازمان بهزیستی کشور را مکلف نموده تا با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری یا نیروی انتظامی، نسبت به توانمندسازی اطفال و نوجوان موضوع این قانون و اعلام موضوعات به مراجع صالح اقدام نمایند و در ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت، سازمان بهزیستی مکلف گردیده است که اطفال و نوجوانان دارای وضعیت خاص از جمله اعتیاد یا

- کم‌توانی جسمی و ذهنی مبتلابه بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی یا روانی را به مراکز تخصصی ارجاع نماید (جعفرزاده، ۱۴۰۰، ص ۲۹۶).
- ۲- ماده ۳۲ قانون حمایت، مددکاران اجتماعی به‌زیستی را موظف نموده تا پس از اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز، تحقیقات و اقدامات مقتضی نظیر دعوت از والدین را به عمل آورند، این اقدامات باهدف حمایت از کودکان است و از این طریق می‌توان به والدین، تکنیک کنترل خشم را آموزش داد تا از سوء رفتار منجر به آسیب جسمی به کودک پیشگیری شود.
- ۳- در بند ۳ ماده ۳ قانون حمایت، نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آنها در فعالیت‌های مجرمانه، همچنین وارد شدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق، از سوپی فراهم نمودن زمینه اعتیاد آنان به مواد مخدر، مواد روان‌گردان یا مشروبات الکلی از طریق یک فرد دیگر مانند والدین، یک امر مخاطره‌آمیز دانسته شده و برای پیشگیری رشد مدار از این‌گونه اقدامات می‌توان هم از والد یا والدین سلب حضانت کرد تا کودک در دامن این فرد یا افراد پرورش نیابد و هم مطابق ماده ۱۶ این قانون به‌موجب محکومیت درجه ۸ با این افراد برخورد نمود، زیرا که احتمال ورود کودک یا نوجوان به بزهکاری یا سوءاستفاده از او وجود دارد.
- ۴- در آیین‌نامه اجرایی ماده ۶، وزارت آموزش و پرورش مکلف گردیده است که نسبت به ثبت‌نام رایگان کودکان معرفی‌شده از سوی سازمان به‌زیستی و کودکانی که در مراکز نگهداری یا کانون اصلاح و تربیت می‌باشند و همچنین نوجوانان کارگر اقدام نموده و کودکان بازمانده از تحصیل را شناسایی و برای رفع ترک تحصیل آنها برنامه‌ریزی نمایند. همچنین بند ب ماده ۵ همان قانون نیز یکی از وظایف تشکیلات مرتبط تحت نظر دادستان حوزه قضایی را ایجاد شرایط مناسب در خانواده برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه دیده و یا معرفی آنان به به‌زیستی و یا سایر نهادهای مربوطه دانسته است (جعفرزاده، ۱۴۰۰، ص ۳۰۰).

گفتار پنجم: شیوه‌های پیشگیری رشدمدار قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان

این قانون در حوت ۱۳۸۳ ه. ش در هشت فصل به تصویب رسید، آن‌هم درجایی که به نظر می‌رسد نیاز به چنین قانونی با توجه به وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک امر ضروری باشد. کودکان متأثر از فقر و جنگ بیشتر در معرض جرائم و تخلفات قرار می‌گیرند. این قانون هم به شیوه شکلی و هم ماهوی نگارش و به تصویب رسیده است، یعنی هم دارای آیین دادرسی و هم احکام و مجازات است.

با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ایران و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در افغانستان، نشانه‌هایی از پذیرش سیاست کیفری افتراقی در برخورد با جرائم علیه اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران و افغانستان نمایان می‌گردد. قوانینی که برخلاف عناوین آن فقط با جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص درصدد حمایت کیفری ویژه از اطفال و نوجوانان برآمده است و نیز برای اولین بار در کشور ایران و افغانستان اصطلاح "کودک‌آزاری" را وارد ادبیات حقوق این دو کشور نمود. در این میان، سن بزه دیدگی را همگام با یافته‌های علمی و کنوانسیون حقوق کودک هجده سال تعیین نموده‌اند. جرم‌انگاری اعمالی نظیر هرگونه صدمه، اذیت، آزار، شکنجه جسمی و روحی کودکان، نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، ممانعت از تحصیل آن‌ها، هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف، از نوآوری‌های دو قانون فوق به شمار می‌آید (پوپل، ۱۳۹۹، ص ۳۲۰).

البته باید این را هم پذیرفت که حقوق افغانستان به مسئله کودک توجه نموده است. در این راستا، تلاش‌های جهانی به‌منظور حمایت از کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین عضو جامعه انسانی، منجر به تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ گردید و افغانستان نیز در سال ۱۹۹۴ آن را با حفظ «حق شرط» نسبت به کلیه احکام و مقررات مغایر با احکام اسلامی و قوانین داخلی، به تصویب رساند. افغانستان افزون بر تلاش‌های بین‌المللی، در عرصه داخلی نیز در قوانین مختلف، از کودکان حمایت نموده و حتی قانونی تحت عنوان قانون «حمایت از حقوق طفل» را به تصویب رسانده است (عبدالخالق، ۱۴۰۰، ص ۱). با این‌وجود، توجه خاصی به پیشگیری رشد مدار در این

قانون نشده است، اما می‌توان به‌طور محدود رد پای این پیشگیری را دید. به‌طور مثال:

۱- در بند ۶ ماده ۲ یکی از اهداف این قانون، نگاه و توجه به پیشگیری رشد مدار و تشویق به نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غیردولتی به‌منظور جلوگیری از تخلفات اطفال است.

هدف مذکور به‌مانند بند الف ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲ ایران است که خدمات اجتماعی انجام می‌دهند.

۲- مستفاد از مواد ۵۸-۵۹ این قانون می‌توان دریافت که قانون‌گذار توجه ویژه‌ای به خانواده یا سرپرستی برای طفل و امور آن داشته است، زیرا محکمه برای افرادی که والدین ندارند یا با درخواست خود والدین یا مؤسسات اجتماعی می‌توان برای طفل سرپرست یا قیم تعیین نمود.

حدود صلاحیت سرپرست هم به این صورت است که سرپرست قانونی دارای کلیه صلاحیت‌ها و مسؤولیت‌های والدین طفل است. همچنین تهیه نفقه برای طفل و جبران خسارات وارده به شخص سوم از این حکم مستثنی است.

نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که تعریف طفل در قانون حمایت از اطفال ایران با افغانستان متفاوت است. در قانون ایران طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و در قانون افغانستان طفل غیر ممیز: شخصی است که سن هفت‌سالگی را تکمیل نکرده باشد. طفل ممیز در قانون افغانستان یعنی طفلی از سن ۷ تا ۱۲ سال که تکمیل نکرده باشد.

در بحث مسؤولیت کیفری در حقوق ایران و نشأت گرفته از فقه، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسؤولیت کیفری هستند، اما در قانون کیفری افغانستان و در ماده ۹۶ این قانون بیان شده است: «طفلی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد مسؤولیت جزایی و دعوای جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود. در نتیجه، نگاهی که به پیشگیری از جرم هم می‌شود ممکن است متفاوت باشد.»

نتیجه گیری:

در جرم‌شناسی رشد مدار موضوع و هدف اصلی، شناختن عوامل به وجود آمدن بزهکاری، در روند رشد و زندگی است نه لزوماً در یک پرونده خاص. از جمله دلایلی که وجوب پیشگیری و درمان بزهکاری کودکان و نوجوانان را سبب می‌شود می‌توان گفت که بدیهی‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از اینکه بزهکاری، این گروه سنی را در معرض مخاطراتی بسیار جدی و جبران‌ناپذیر مانند مصرف مواد مخدر (اعم از صنعتی و سنتی)، فرار از مدرسه، حبس در زندان، دیگر آسیب‌های جسمی و روحی و... و در نهایت، بزهکاری مزمن در بزرگسالی قرار می‌دهد. نقش خانواده در مرحله پاسخگویی و البته به‌عنوان اولین عامل و با توجه به نقش مدرسه و همسالان از یک‌سو، به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری و تربیت اطفال، بسترساز دستیابی هر چه بهتر نظام عدالت کیفری اطفال به اهداف عالی خود که همانا اصالت و تربیت اطفال و نوجوانان معارض با قانون است، می‌شود.

از آنجاکه نظام رسمی رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان مرکب از پلیس، دادگاه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت است، بخش اعظم موضوع بزهکاری این گروه سنی، توسط نهادهای غیررسمی خارج از نظام عدالت کیفری، عمدتاً در قالب آمارگیری، انواع فعالیت‌های پژوهشی و نظریه‌پردازی‌های این حوزه، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. با اینکه بعضی از افراد و دانشمندان انتقاداتی را بر پیشگیری رشد مدار وارد می‌دانند، مانند زمان بر بودن آن یا امکان برچسب‌زنی به افراد و خانواده‌ها که مجال پاسخگویی آن در این مقال نیست، باید بگوییم این پیشگیری هم به‌طور نظری، نظریات و نقشه‌هایی را مطرح می‌کند و هم به‌طور عملی می‌توان اغلب آن‌ها را به منحصر ظهور برساند. با بررسی این دو کشور باید اذعان کرد که قانون حمایت از اطفال و نوجوان ایران، دقت نظر بیشتری بر بحث پیشگیری رشد مدار داشته که می‌توان از جمله دلایل آن به جدید التصویب بودن قانون و هم خواست اجتماعی و هم فرهنگ متفاوت و حاکم بر ایران نسبت به افغانستان ذکر نمود.

قانون‌گذار افغانستان در قانون تخلفات اطفال، بیش از هر چیز از جامعه مدنی و تعهدات بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک و واقعیت‌ها و یافته‌های بزه دیده

شناختی تأثیر پذیرفته است. تدابیر حمایتی از اطفال، در اسناد بین‌المللی نسبت به حقوق افغانستان بهتر پیش‌بینی شده است. در خصوص حمایت از اطفال بزه دیده، با برخی خلأهای قانونی به‌ویژه در افغانستان مواجه هستیم؛ از این‌رو، قانون‌گذار افغانستان می‌بایست برای حمایت از اطفال بزه دیده، قانون جامع اطفال را به تصویب برساند. همچنین امروزه با وجود افزایش آگاهی‌های عمومی و حمایت‌های بیشتر مردم از کودکان و با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و کنوانسیون حقوق کودک، زمینه‌ای برای پیشگیری از وقوع بزهکاری و بزه دیدگی فراهم شده است. امید است با کاهش عوامل خطر توسط دولت و خانواده و نهادهای مسئول دیگر شاهد زندگی سالم‌تر کودکان باشیم.



منابع

- ۱- اشنایدر، تاد، ۱۳۸۵، «پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزش»، تهران، ناشر دانشگاه علوم انتظامی.
 - ۲- رجبی پور، محمود، ۱۳۹۱، «پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان»، تهران، نشر میزان.
 - ۳- کی نیا، مهدی، ۱۴۰۰، «مبانی جرم‌شناسی»، تهران، نشر دانشگاه تهران.
 - ۴- محسنی، فرید، ۱۴۰۰، «جرم‌شناسی»، تهران، نشر دانشگاه امام صادق.
 - ۵- موسوی خمینی، روح اله، ۱۳۸۵، «تحریرالوسيله»، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - ۶- هریس، تامس انتونی، ۱۳۸۸، «وضعیت آخر»، مترجم اسماعیل فصیح، تهران، انتشارات آسیم.
- مقالات و پایان‌نامه**
- ۷- بابایی، محمدعلی، ۱۳۹۰، «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم، مجله حقوقی دادگستری»، شماره ۷۵.
 - ۸- بیرانوند، رضا، ۱۳۹۹، «تحلیل پیشگیری رشد مدار از جرم در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره دوم.
 - ۹- پوپل، محمود، ۱۳۹۹، «مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، جغرافیا و روابط انسانی»، پاییز، ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۲.
 - ۱۰- درویشی، صیاد، ۱۳۹۷، «بررسی نقش آموزش مهارت‌های اولیه زندگی بر پیشگیری از بزهکاری»، فصلنامه رهیافت پیشگیری، شماره اول.
 - ۱۱- رجبی پور، ابراهیم، ۱۳۸۸، «پیشگیری انتظامی شهروند مدار، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم»، مجموعه مقاله‌های کارگروه پیشگیری انتظامی از جرم، تهران، انتشارات معاونت ناجا.
 - ۱۲- جعفرزاده، سیامک، ۱۴۰۰، «عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی شماره ۲۱.
 - ۱۳- خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۹۵، «پیشگیری رشد مدار، بررسی فقهی و حقوق ایران

- و انگلستان»، فصلنامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی سال نهم، شماره ۲.
- ۱۴- عبدالخالق، شفیق، ۱۴۰۰، «حقوق کودک در قوانین افغانستان و کنوانسیون حقوق کودک»، فصلنامه پژوهشی تطبیقی عدل و انصاف شماره ۱۴.
- ۱۵- غلامی، افسانه، ۱۳۹۸، «کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشد مدار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- ۱۶- کریمیان، حسین، ۱۳۸۷، «نگاهی به بزهکاری نوجوانان و جوانان»، معرفت شماره ۱۲۶.
- ۱۷- محسنی، فرید، ۱۳۹۳، «دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشد مدار»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۴.
- ۱۸- محمدی، سعید، ۱۳۸۸، «پیشگیری از بزه دیدگی کودکان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- ۱۹- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۸۱، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی»، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۱-۲۲.
- ۲۰- نیازپور، امیرحسن، ۱۳۹۳، «اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران پژوهش حقوق کیفری»، سال دوم، شماره ششم، بهار.
- ۲۱- نظری، صیاد، ۱۳۹۷، «رویکرد پیشگیری رشد مدار به خشونت‌های اطفال و نوجوانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد بندرعباس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Developmental Approaches With An Emphasis On The Protection Of Children And Adolescents In Iran And Addressing Child Offenses In Afghanistan

Ehsan Vahed Jouybari¹, Mohammadreza Aezazi torghi², Alireza Jamshidi³

Abstract

In recent years, various theories in the field of crime prevention have been proposed by scholars to reduce crime rates in societies. The fundamental nature of developmental criminology is based on studying crime within the life context of each individual. This type of criminology, with a preventive approach, identifies factors that lead a child or adolescent towards delinquency and works to prevent the realization of these components. In other words, it strengthens the supportive factors of their healthy life to prevent deviation and criminal acts by them. On the other hand, developmental criminology with a preventive approach always seeks to expose individuals to positive factors or reduce negative and dangerous factors. In general, these mentioned factors can be considered both as risk factors and as preventive and developmental aspects for children and adolescents. Therefore, in child and adolescent protection laws, developmental prevention is somewhat specific to these age groups. This research, using an analytical-descriptive method, aims to not only understand developmental prevention but also answer the question of how much the criminal justice system in Iran and Afghanistan aligns with developmental approaches.

Keywords: Criminology, delinquency, prevention, developmental, children and adolescents.

¹. Master's student in family law, Faculty of Judicial Law, University of Judicial Sciences, Iran

². Master's student in criminal law and criminology, Faculty of Crime Prevention and Corrections, University of Judicial Sciences, Iran

³. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services